

تبعیض علیه زنان در بعد جهانی

ناهید جعفرپور



تبعیض برزنان در بعد جهانی، خشونت و استثمار، عدم وجود تامينات اجتماعي و آموزش بعد و تنها آن وجوه قابل رويت حقوق پايمال شده زنان مي باشند که بطور جهانی با مکانيسم نابرابري اجتماعي و قدرت در هم تافته شده اند.

چرا تنها در ماه مارس و بخصوص در روز جهانی زنان درست بمانند تمامی سالروز های دیگر تلاش می شود توجه عموم به این تم ها که معمولاً توجه کافی به آن نمی شود، برانگیخته شود. روز جهانی ایدز و همچنین روز جهانی آب می تواند برای این ادعا مثال های خوبی باشند. مسلماً کسی مخالف این نیست که تم های مهم حضور بالائی در افکار عمومی پیدا نکنند. چه کسی می تواند بطور جدی مفهوم سالروز ایدز یا سالروز آب را رد نماید؟

تصورات فمینیستی هرگز به این ایده خلاصه نمی شوند که تنها در این ماه و این روز به یک مشکل حل نشده اجتماعي اشاره گردد و در این ماه و این روز درباره زنان و وضعیت آنها فکر شود و یا در این ماه و این روز زنان و نقش اجتماعي آنان ارج گذاری گردد.

درست است که زنان بعنوان مجریان آگاه و بعنوان کسانی که برای احقاق حقوق خود مبارزه و عمل می کنند تاریخاً در مرکز این ماه و این روز قرار گرفته اند. اما همین

مسئله در باره اول ماه مه هم صادق است. روزی که سبیل مبارزه زنان کارگر در جنبش جهانی زنان است. آنهم در جهان کنونی که چهره فقرش و چهره استثمارش زنانه است. جهانی که پایداریش بر مبنای هر چه بیشتر ستم و بهره‌کشی و فشار از نیروی ارزان زنان است. دقیقاً بحث برابری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این روز معنا پیدا می‌کند. مسئله‌ای که متأسفانه در مرکز افکار عمومی قرار نمی‌گیرد و همواره اول ماه مه و ارج‌گذاری آن چهره‌ای مردانه پیدا می‌کند. درست بمانند سالروز ایدز و سالروز آب و سالروز محیط زیست و سالروز..... جهانی سازی نئولیبرالی مرکز توجه اش استفاده بی‌نهایت از نیروی کار ارزان زنان در تمامی ابعاد ممکن است و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آن و در نهایت عملکردهای نظامی این سیستم بربری و نو استعماری بر زندگی زنان تأثیری مستقیم و کشنده و مرگبار داشته است. با نگاهی به جنگ‌های دهه اخیر به این ادعا بیشتر پی خواهیم برد.

آنچه مسلم است وظیفه تمامی زنان آگاهی که به جامعه با نگاهی انتقادی می‌نگرند این است که از تمامی این روزها استفاده نمایند تا بدینوسیله بتوانند در باره معضلات و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی‌ای که سد راه برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی و زندگی در خور شرف انسانی صرف نظر از جنسیت است به بحث و گفتگو پرداخته و این بحث‌ها را در مرکز توجه افکار عمومی قرار دهند.

آلیس شوارتزر فمنیست آلمانی در مصاحبه‌ای با روزنامه فرانکفورتر رونشاو می‌نویسد "۸ مارس را باید برداشت زیرا که تنها یک روز برای دلخوش کردن زنان است". این روز را سوسیالیست‌ها نام‌گذاری نمودند آنهم بخاطر اعتصاب زنان کارگر خارخانه جات پارچه بافی. اما جنبش زنان در غرب اوائل سال‌های ۷۰ بر علیه چپ‌های مردسالار اعتراض نمود و بدین طریق اعلام موجودیت نمود. در آن زمان چپ‌های غرب با وجود اینکه طرفدار آزادی دهقانان بولیویائی بودند اما زنان و دوست دختران خود را همچنان به کار قهوه درست کردن و اعلامیه تایپ کردن و بچه بزرگ کردن و امثال اینها می‌داشتند. حتی در کشورهای موجود سوسیالیستی هم در ده‌های بالا حضور زنان وجود نداشت. از این روی من فکر می‌کنم از همه بهتر این است که روز دلخوش‌کنک زنان را کنار بگذاریم و بجای آن ۳۶۵ روز سال را تبدیل به روز انسانها "زنان و مردان" تبدیل نماییم".

تفکر فمینیستی به همراه خود عملکردهای متنوع و قدرت تجهیز خاص خود را دارد. اما در جهان امروز این عملکردها مورد مخاطره جدی قرار گرفته و مرتباً کم رنگ تر جلوه داده می شوند. اگر که فمینیست ها مرتباً به جهان پیرامون خود و به تفکرات خویش به صورت انتقادی نگاه نمایند و به بحران هائی که مرتباً فمینیست ها را دوره می کند نپردازند و رنجی را که در شرایط امروز جهان به زنان و بخصوص به بخش آگاه آن وارد می شود که این خود پیامد پروسه دردناک زندگی در جهان سرمایه داری کنونی و جهانی سازی نئولیبرالی است را مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار ندهند در این صورت نمی توانند در مقابل این خطرات به موقع عکس العمل نشان دهند. سازماندهی همبستگی بین المللی زنان در زمانی که رژیم جهانی بازار با قدرت به استثمار بی سابقه زنان در سرتاسر جهان مشغول است، بی شک با زمان گذشته و مناسبات سرمایه داری گذشته فرق های اساسی دارد. می بایست بدنبال اشکال متفاوت از سازماندهی بود که بتوان توسط آن همبستگی بین المللی زنان را قابل رویت نمود و رابطه زنان جنوب و شمال جهان را برای انتقال تجربیات منطقه ای و راه های مبارزه بر علیه رژیم های منطقه ای و رژیم جهانی بازار برقرار نمود. عدالت اجتماعی بدون برابر جنسیتی در تمامی زمینه ها هیچ مفهومی نخواهد داشت و سرانجامی نخواهد داشت. در جهان کنونی سیاست و اقتصاد و فرهنگ و اجتماع تحت تاثیر مناسبات بازار جهانی قرار دارند. بنابراین برای برقراری برابری جنسیتی میبایست در تمامی این زمینه ها به مبارزه پرداخت و دخالت مستقیم داشت. زمان آن که زنان تنها برای رسیدن به اهداف خود و در بلوک خود مبارزه نمایند گذشته است. اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اجزاء غیر قابل تفکیک اند. فمینیست ها برای نیل به اهداف خود باید سازماندهی ای مناسب این شرایط پیدا نمایند و برای رسیدن به برابری جنسیتی در تمامی این زمینه ها فعال باشند. مسلم است که هیچگاه در این راه ناهموار و دشوار نمی بایست از خواست ها و شعار های مختص خود حتی ذره ای عقب گرد نمود اما برای تغییر جهان و برقراری عدالت اجتماعی ای همراه با برابری جنسیتی راه چاره ای دیگر وجود ندارد. از این روی بررسی اشکال نوین سازماندهی امر مسلم و ضروری پیش روی جنبش فمینیستی و جنبش زنان چه بطور منطقه ای و چه بطور جهانی است.

برابری جنسیتی نیاز به یک تغییرات پایه ای در جامعه دارد. جامعه ای که در آن اشکال متفاوت مناسبات وابسته ای که مناسبات نابرابر جنسیتی را مرتباً زاد و ولد می کنند را از سر گذرانده باشد و برای برابری جنسیتی در همه زمینه ها برنامه ریزی پایه ای کرده باشد. حق حضور در تمامی بخش های اجتماعی و در نتیجه برابری اجتماعی از مسیر حق بر مناسبات اقتصادی و خواست دسترسی برابر به مقام های رهبریت در اقتصاد،

سیاست و فرهنگ می‌گذرد. در اینجا بحث من موضوع مقام و کسب شانس برای زنان نیست بلکه موضوع بر سر بالا بردن کیفیت شغلی و دسترسی به شرایط ورود به بازار توسط زنان است. در چنین جامعه‌ای دیگر مرکز قدرت و مناسبات رهبریت در اختیار یک جنس قرار ندارد بلکه بر مبنای مهارت‌ها و ظرفیت‌ها و دانش فردی‌ها از جنسیت جامعه سازماندهی می‌گردد.

شرایط بد کاری و دستمزد های اندک نیروی کار زنانه محدوده های آزاد تجاری و کارخانه جات استثمارگر کنسرن های چند ملیتی چرخ های سرمایه داری نئولیبرالیسم را می‌چرخاند. به این مشخصات می‌بایست سرمایه گذاری های خارجی هم را اضافه نمود که رشد و صعود درآمد منفعت گران و بدنبالش فقری عریان که در درجه اول گریبانگیر زنان است را باعث شده است که این خود استثمار و تبعیض هرچه بیشتر بر زنان را موجب شده است. زنان کارگری که با دستمزد های اندک استثمار می‌شوند نه تنها به موتور های فقر گسترده جهانی تبدیل شده اند بلکه همچنین به موتور اقتصاد بازار جهانی و اقتصاد لیبرالیزه شده و مدرن و جهانی سازی هم تبدیل گشته اند. کسانی که خود را با آمار های و ارقام و اطلاعات بازار جهانی مشغول می‌سازند به تئوری و ضعف های بازار واقف شده و نتیجه می‌گیرند که تجارت آزاد هیچ علاقه به از بین بردن نابرابری های جنسیتی نداشته و برعکس تلاش می‌کند آنرا شدت بخشد تا بتواند هر چه بیشتر استفاده ببرد. در واقع این یکی از کارزار های مهم جهان فمینیست است که بدون حل آن و بدون درگیر شدن با آن نابرابری جنسیتی از بین نخواهد رفت.

طرفداران نئولیبرال آزادی زنان تلاش می‌کنند که مشکل جنسیتی را غیر سیاسی ساخته و مسیری فردی به آن بدهند. سیاست جنسیتی تفکر نئولیبرالی که تلاش دارد زنان را خام سازد میبایست در مرکز توجه و بحث های تمامی فمینیست های جهان باشد. شرایط زندگی زنان در مناطق مختلف جهان بسیار گوناگون و گاهی متضاد هم است. تلاش برای شناخت متحد و زبان سیاسی متحد که بتواند جهت های متفاوت و جنبش های متفاوت و موقعیت ها و جریان های متفاوت زنان را فعال سازد و اهداف مشترک سیاسی و اجتماعی برای مبارزه متحد در راه برابری جنسیتی در تمامی زمینه ها را به وجود آورد، باید یکی دیگر از تم های مهم فمینیست ها در سطوح منطقه ای و جهانی گردد. از سوی دیگر وظیفه چپ هاست که نه تنها در ماه مارس بلکه همانطور که آلیس می‌گوید در تمامی روزهای سال مسئله زنان را محور بحث ها و مبارزات خود سازند زیرا که تنها شرط عدالت اجتماعی رهائی از نابرابری جنسیتی است. بزبان دیگر کلید هر جامعه آزاد و ایدالی حل مسئله زنان است.

